

۹

نوجوانان ون سیار خبر، با دوربین و قلم
در پی ثبت حماسه‌های شبانه مردم هستند

روایتگران شب‌های مقاومت شهر

رضاری‌ای اگر در چهارماه اخیر جنگ

تحملی سوم و در حماسه شب‌های مقاومت

به اجتماعات مردم قدم گذاشته‌اید. شاید خودروون

سفیدرنگ ساده‌ای را دیده باشید که با خطی درشت برپنده

آن نوشته شده است: «واحد سیار خبر». نزدیک این ون، گروهی

از نوجوانان با جلیقه‌های قرمز رنگ در میان جمعیت حضور دارند.

برخی با دوربین در پی ثبت یک نگاه هستند. برخی با میکروفون به دنبال

شنیدن حرف دل مردم و گروهی دیگر در فضای نقلی و تاریک ون، لحظات را

به کلیپ‌های خبری تبدیل می‌کنند. این تیم جوان، که از روز شهادت رهبرمان،

کار خود را آغاز کردند. تا امروز در پیش از صدا اجتماع حضور داشته و با

۱۵۰ سوژه، روایتی تازه ساخته‌اند. آن‌ها فقط به دنبال خبرسازی نیستند

و هدفشان بزرگ‌تر و عمیق‌تر است: ثبت یک آرشیو ماندگار از مجاهدت

مردم در کف خیابان‌ها. برای روزگاران پس از جنگ. این نوجوانان

دوازده تا هجده ساله که اصول اولیه تولید محتوای خبر را در

فرهنگ سرای فناوری و رسانه منطقه ۹ آموخته‌اند. از این

شب‌های زیبا، کلی‌خاطره جذاب دارند که در این

گزارش، برخی از آن‌ها را روایت می‌کنیم.



ریحانه اطمینان

اینترنت‌شنال فرق «ماکت» با
«موشک» را نفهمید

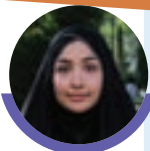


روز چهارشنبه سوری سال گذشته، بچه‌های
منزل آباد دست به ابتکار جالبی زدند و با مواد
ضایعاتی، موشک فتاب را شبیه سازی کردند
که فیلمش در خبرگزاری فارس منتشر شد.

روز بعدش، تلویزیون اینترنت‌شنال که بازوی رسانه‌ای اسرائیل
در جنگ علیه ایران بود، بدون تشخیص ماکت از موشک در
شبکه اجتماعی ایکس فیلم چهارشنبه سوری منزل آباد را منتشر
کرد و مدعی شد: «در این ویدئو افرادی نزدیک لانچر موشک
جمع شده‌اند و موشک از میان ساختمان‌های مسکونی این
روستا در نزدیکی مشهد شلیک می‌شود و این نشان دهنده
استفاده از سپر انسانی برای محافظت از پرتاب کننده‌هاست!»
روز بعدش، ون خبری ما به روستای منزل آباد رفت و با سازنده
موشک فتاب گفت و گو کرد. فقط ده سالش بود! پدرش در کار
ساخت و ساز است و او موشک را با مواد ضایعاتی کار پدرش
ساخته و در چهارشنبه سوری به میان اجتماع شبانه اهالی
منزل آباد آورده بود. ما این ویدئو را به دوزبان تولید و منتشر
کردیم که از شبکه استانی هم پخش شد.

نیروی انتظامی، راه را بر ایمان
باز کرد

سهیلارستمی

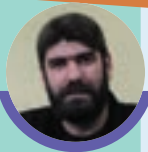


ساعت ۱۰ شب به تجمع اهالی چهارراه برق
رسیدیم. تراکم جمعیت به قدری زیاد بود که
ون خبری ما یک متر یک متر جلو می‌رفت.
هاج و واج به مردم نگاه می‌کردیم و نگران
بودیم که فرایند تولید محتوا به مخاطره
بیفتد. در میان ناامیدی ما یکی از بچه‌های نیروی انتظامی
نزدیک ون شد و گفت: «ما راه را بر ایمان باز می‌کنیم که به کارتان
برسید؛ فقط قول بدهید که اسمی هم از بچه‌های نیروی
انتظامی بیاورید. ما هم خیلی دوست داریم که این شب‌ها
در کنار مردم کف خیابان، پرچم تکان بدهیم و از کشورمان
دفاع کنیم، اما این شب‌ها برای پرسنل نیروی انتظامی،
تأمین امنیت مردم اولویت دارد. پاره‌ی دلمان می‌گذارد که
در دل مردم آب از آب تکان نخورد.»

حضور ۲۰۰ خبرنگار در
اجتماع‌های شبانه

سید علی قربانی

مدیر فرهنگ سرای فناوری و رسانه



مدیر فرهنگ سرای فناوری و رسانه، یکی
از افرادی است که در بیشتر این شب‌ها
ون خبری را همراهی کرده است. سید علی
قربانی درباره هدف راه‌اندازی این ون توضیح
می‌دهد: بچه‌های ما تحت عنوان «باشگاه

خبری رایانو» به روایت کردن حماسه مردم در روزهای بعد از
جنگ می‌پردازند. در این روزها که جنگ ما با دشمن ادامه دارد،
شاید خیلی از فداکاری‌های مردم که هر شب در اجتماعات رخ
می‌دهد، به چشم نیاید. از این روماد حال مستند کردن سوژه‌هایی
هستیم که در این شب‌ها، به عنوان مختلف پای کار بوده‌ و از
کشور خود دفاع کرده‌اند.

او ادامه می‌گوید: همین موضوع دلیل راه‌اندازی یک استودیوی
خبری سیار در شهر شد و یک ون با تجهیزات استودیوی خبری
که بچه‌ها در آن توانایی مستندسازی، تصویربرداری، مصاحبه
و تدوین را داشتند، در شهر به حرکت درآمد.

قربانی تصریح می‌کند: بیش از دو بیست نفر از بچه‌های باشگاه
رایانو بیشتر از هفتاد شب در اجتماعات شبانه حضور داشتند که
ماحصل آن ۴۰ بار ضبط و تولید محتوا از ۱۵ سوژه است که این
تعداد با حضور استودیوون در صدمحله شهر مشهد تهیه شده
است. محتواهای تولید شده این استودیو پس از تدوین، در
شبکه صدا و سیما، خراسان، شبکه‌های مجازی و باشگاه رایانو
منتشر شد و این برنامه همچنان تا پایان جنگ ادامه پیدا خواهد
کرد.



حرف‌های مردم با قهرمان فولادی

امید رضامضانی



شب پنجاه و دوم تجمع اهالی در بولوار احمدآباد بود. از ون خبری پیاده شد و شروع کردم به راه رفتن میان مردم. آن
شب، فضا با دفاعات قبل فرق داشت؛ همه نگاه‌ها و انرژی مردم به یک نقطه دوخته شده بود. همان نقطه‌ای که لانچر
و موشک فتاب توسط نیروهای هوا و فضا در میان جمعیت رونمایی شد و بعد از آن بود که نوای حماسی معروف در میان
جمعیت طنین انداز شد. همه با هم بلند می‌خواندند: «بزن که خوب می‌زنی».

صحنه‌ای که می‌دیدم، باورکردنی نبود: مردان گار با یک «قهرمان» یا «عضو خانواده» حرف می‌زدند. پیرمردی دستش
را به سمت موشک گرفت و با صدای بلند گفت: «برو خدا به همراهت.» یکی دیگر از اهالی که اشک از چشمانش جاری شده بود، فریاد
می‌کشید: «صدای بچه‌های میناب را به تل‌آویو برسان.» دیگری با اطمینانی عجیب می‌گفت: «می‌دانم آنجایی که باید، فرود می‌آیی.»
مادری با صدای بلند جزخوانی می‌کرد و می‌گفت: «توانتقام رهبر شهیدمان را می‌گیری.»

حال و هوای مردم آن شب خیلی حماسی بود. آن‌هایی که آن شب در تجمع بولوار احمدآباد حضور داشتند، احساس غرور می‌کردند. در
چشمان آن‌ها، «امید» و «انتقام» برق می‌زد. این گیراترین تصویری بود که از آن شب‌های پراز خاطره در ذهنم ثبت شده است.

